

# پیدایش وزوال کارگاه‌های پیشه‌وری

قسمت سوم

نوشته: ابراهیم فیوفات

در شماره‌های قبل پس از اشاره به وضعیت سه رشته اساسی صنعت یعنی نساجی، سفالگری و فلزکاری در دوران بوستان، به بررسی صنعت نساجی از قرن سوم تا آغاز عصر صفوی پرداختیم. در این شماره ابتدا به بررسی صنعت نساجی در دوران صفوی و آنگاه به وضعیت صنایع سفالگری و فلزکاری از قرن سوم تا پایان دوره صفوی می‌پردازیم. همچنین بویژگی‌های این سه صنعت در این دوره طولانی اشاره می‌کنیم و در دنباله این مطلب که در شماره بعدی از نظرستان خواهد گذشت به دوران معا صر خواهیم رسید.

## دوره صفویه

با تجدید حیات حاکمیت مرکزی در ایران در دوره صفویه دوباره تحولاتی در صنایع ایران بچشم می‌خورد. در این دوره شکل کارگاهی صورت ما نופا کتور\* یا تجمع کارگاهی مشاهده می‌شد. بدین ترتیب ما نופا کتور جرف پراکنده سابق را بهم پیوند می‌داد و از جدائی مکانی بین مراحل ویژه تولید فرآورده می‌کاست. عصر صفویه دوره ممتازی با فندگی و نساجی ایران بشمار می‌آید.

\* تقسیم کار ما نופا کتوری بوسیله تجزیه کردن فعالیت پیشه‌وری ایحاد تخصصی در ادوات کار، پرورش جزء کاران، مجتمع ساختن و پیوند آنان در درون یک مکانیسم جمعی موجب قشر بندی کیفی و تناسب کمی بر روند تولید اجتماعی می‌شود.

تولیدات آن زمان به سه دسته: حریر ساده، ابریشم زربفت و مخمل ابریشمی تقسیم میگردید. ناسیس کارگاههای متعدد و چندکساره (مانوفاکتور) در اصفهان و نواحی شیروان، قرا باغ، گیلان، کاشان، مشهد و استرآباد از مشخصه های این دوره است که مصنوعات بافتنی برای دربار تولید می کردند. (۷۸) مخملها و زربفتهای صفوی از زیبا ترین پارچه های است که تا کنون تولید شده است. محققین بنا می که در زمینه نساجی دوره صفوی بررسی کرده اند از جمله پروفیسور پوپ تا ئید کرده اند که مهمترین مراکز نساجی این دوره در شهرهای زیر بوده است:

تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، ساوه، سلطانیه، اردستان و شیروان. در میان این شهرها یزد و کاشان و اصفهان شهرت بیشتری در نساجی داشتند و تبریز در تولید پارچه با تصاویر انسانی مشهور بود.

به اعتقاد پروفیسور دبرت کارشناس عالی رتبه موزه بریتانیا، مخملهای تولیدی کارگاههای نساجی ایران در عصر صفویه یکی از زیبا ترین محصول این کارگاههاست. علاوه بر پارچه زربفت و مخمل که با کیفیت عالی تهیه میگردید این دوره در زمینه کلدوزی، قلمکار و تنوع آنها و در زمینه طرح و نقش و نگار برجسته بر روی پارچه نسبت به پیشینیان گامی به جلو برداشت همانگونه که متذکر شدیم صنعت نساجی در این زمان در اصفهان بسیار گسترده بود. دربار این شهر ۲۵ هزار کارگر نساج وجود داشت و حاکمیت از قدرت رئیس صنف نساجان حساب میبرد، یا به بیانی دیگر صنف دستباف اصفهان از بزرگترین و پرجمعیت ترین صنوف این شهر بشمار می آمد. زمانی که ریاس و فاستونی تهیه می کردند و بعدها به تهیه فاستونی نخی و منسوجات ابریشمی همت گمازیدند.

همزمان با رشد و توسعه صنعت نساجی، قالیبافی نیز به اوج

۷۸- راجرسیوری - ایران عصر صفویه، ترجمه احمد صبا - کتاب

تهران ۱۳۶۳ - صفحه ۱۲۲

\* منشاء فرش ایران در اصل قالیه های عشایری است که بوسیله کودکان و زنان قبایل وبا استفاده از پشم گله ها و رنگهای طبیعی بافته میشد. شاه طهماسب با استفاده از آموزش خود در

شهرت رسید. اگرچه این صنعت ریشه قدیمی داشت ولی این صغویان بودند که قالببافی روستائی را به منبع درآمد اقتصاد ملی در سطح کشور تبدیل کردند.

در منطقه مغان پارچه‌های پشمی ضخیمی می‌بافتند که مورد مصرف افراد معمولی بود. بهترین منسوجات از پشم بز در گرگان تهیه می‌شد. ولی نفیس‌ترین آنها در سواحل خلیج فارس تولید می‌شد. منسوجات زربفتی که در این کشور تهیه می‌شد در حدود متری ۵۰ تومان ارزش داشت و شاید گران‌بها ترین پارچه‌های دنیا بود. علیرغم قیمت فوق‌العاده این پارچه‌ها، مزدکارگران روزانه ۱۵ تا ۱۶ سو (شاهی) بود.

در زمینه تولیدات ابریشمی، شاردن معتقد است که صنعت گران این کشور انواع چرخها و دوکها برای بازکردن ابریشم از پیله و کلاف کردن آنرا اختراع کرده بودند و در این صنعت و تربیت کرم ابریشم تخصص کافی دارند.

شاردن معتقد است که ایرانیان ساختن ماهوت رانمی دانند ولی منسوجات نمدی بسیار لطیفی تولید می‌کنند که از ماهوت گرم‌تر و در مقابل باران مقاوم‌تر است. بنا به گفته‌ی ایرانیان در زمینه تهیه کرباس از هندیان عقب‌ترند. (۷۹)

شهرکشان در زمان صفویه حدود ۴۰۰ کارگاه ابریشم‌بافی را در خود جا داده بود. از آن بعد بدلیل ترقی قیمت پیله ابریشم که به اروپا صادر می‌گردید کارگاه‌ها روبه زوال گذاردند. (۸۰)

در یک دستگاه نساجی آن زمان حدود ۵ تا ۶ کارگر کار می‌کرد و به

---

— جوانی، طرح بافتن فرش‌های ممتازی را داد و به مسجد سلیمانیه استانبول هدیه کرد. شاه عباس با تاء سپس کارگاه‌های قالبی بافی در اصفهان و کاشان وسیله گسترش این صنعت را فراهم آورد. شهرکشان به بافتن قالبیهای ابریشمی و مطلقاً کاری شهرت داشت. بعلاوه استادان زبردستی در کارگاه سلطنتی به تهیه قالبی اشتغال داشتند.

۷۹- شاردن - صفحه ۳۱۱

۸۰- چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، قاچاریه ۱۳۳۲-۱۳۱۵ هجری، ترجمه یعقوب آژند، امیرکبیر، ۱۳۶۲- صفحه ۴۱۸

موض دو ماکو، ۲۴ تا ۳۰ ماکوی مختلف بکار می افتاد.

### صنعت سفال

از هم پاشیدگی حاکمیت مرکزی ساسانی دگرگونیهائی در شیوه زندگی آن روزبیار آورد. توجه به تجملات و زیورآلات (سیم وزر) با آغاز دوره اسلامی روبه کاهش گذارد. صنعت سفال دوباره مورد توجه قرار گرفت. هر چند تولیدات این دوره تقلیدی از گذشته است ولی آثار تحول در آن بچشم میخورد. سفال سازان که قرنهای پیش بجز ظروف مورد استفاده روزانه درست نمی کردند، بفرکانشینی برای ظروف طلا و نقره افتادند و لعاب کاری بویژه رواج پیدا کرد این صنعت از قرن سوم هجری روبه توسعه نهاد.

دگرگونیهای اجتماعی در این صنعت که قابلیت جابجائی آن کمتر از صنایعی نظیر قالببافی است اثر گذارد. چه معادن مواد اولیه و کارگاهها و کوره های کاشی سازی را نمیشد به سهولت و با در حین فرار نقل و انتقال داد. بدین ترتیب این صنعت در یک زمان کاملاً دچار رکود گردید و در زمان بعد در حقیقت در مناطق کوهستانی کردستان و لرستان و خراسان دوباره شکل گرفت. (۸۱) تولیدات سفالی ایران در قرن سوم و چهارم به هند، ترکیه، عراق و سوریه صادر می گردید.

در قرن پنجم هجری هنگام بقدرت رسیدن سلجوقیان گچ ببری و معماری رواج پیدا کرد و تحولاتی در صنعت سفال پدیدار شد و شهرهائی نظیر نیشابور، گنبد قابوس، ساری و کاشان بصورت مراکز عمده سفالگری درآمد. به استناد گفته محققین، حکام سلجوقی، اهل حرف را در مقر حکومتی خود که در مرو، نیشابور، هرات، ری و اصفهان بود، گرد می آوردند. شهری تا نیمه قرن هفتم هجری یکی از مراکز مهم سفال سازی بود. (۸۲)

مغولان نیز پس از یک دوره جنگ و خونریزی از حاکمان فنون و صنایع شدند. سفال سازی بجز شهری، کاشان، سلطان آباد، سلطانیه، سمرقند، ساوه، نیشابور و مشهد در مراکز عمده حکومت

۸۱- صنعت کاشی، مجله اطاق صنایع و معادن ایران - شماره

۲۲ - صفحه ۸۰

۸۲- عیسوی - صفحه ۱۷

دوره مغول شهرت یافت .

عصر صفوی تحولی در کاز سفال و کوزه‌گری به وجود آورد. باینکه کاشان در دوره قرن سوم در سفال سازی شهرت داشت ، اصفهان ، مشهد در این دوره (صفوی) بدل به مراکز مهم صنعت سفال سازی شدند. در دوره صفوی تعدادی از سفال سازان چینی به ایران دعوت شدند و اقدام به ساخت بدل چینی نمودند. بر روی این ساخته‌ها نقوش درخت ، گل و گیاه و گاهی خط کوفی مشاهده می‌شود. سفال سازان دوره صفوی دست به ابتکار و خلاقیت زدند و در سانس هنری در سفال سازی بوجود آوردند. در این صنعت پیش از هنر صنعتی ذوق و سلیقه هنرمند و صنعت گربوموسی نهفته بود. هیچکدام از صنایع در تجدید حیات هنری به پای صنعت سفالگری در این دوره نرسید .

شاهان در مشاهدات خویش اشاه به کارخانه‌هایی که ظروف مینایی تهیه می‌کردند وارد ساخت این ظروف در شهرهای شیراز ، مشهد، یزد و کرمان رواج داشت . (۸۳) بهترین مصنوعات سفال سازان ایرانی کاشی یا محصولات لعابی خوانده می‌شد که در مقابل حرارت سخت مقاوم بود. هنر دیان ظروف لعابی را از چین و ژاپن یا ایران وارد می‌کردند. پس از دوران صفوی با ایجاد آشفته‌گی‌های سیاسی - اقتصادی در کشور و رشد توسعه صنایع چینی سازی در روسیه و چین سفالگری در ایران روبه زوال گذارد .

### صنایع فلزی

در دو قرن پنجم و ششم هجری فلزکاری و ساخت مصنوعات ظریف فلزی رونق پیدا کرد و استان خراسان که بزرگترین مرکز تهیه تحفه‌ها در ظروف برنزی بود بصورت مرکز فلزکاری درآمد .

باروی کارآمدن سلجوقیان در شرق ایران یک دوره فلزکاری : ظروف برنز، طلا، نقره، میناکاری ، جواهر سازی گسترش یافت. در این دوره ترصیع اشیاء برنزی ، با سایر فلزات متداول گردیده و اسلوب ابتکاری شهرهای هرات ، نیشابور ، سیستان و مرو (مرکز فلزکاری) را در سایر نقاط خاور میانه رایج ساخت. دوره سلجوقی نه تنها دوره درخشان صنایع است بلکه سایر عرصه‌های ذوق و قریحه به ویژه در زمان خواجه نظام الملک سیاستمدار بزرگ دوره سلجوقی (موس

مدرسه بغداد) راه تعالی راطی کرد.

### سا برصنا یع

در این دوره استفاده از کاغذ که گویا از چینیان فراگیری شد رواج پیدا کرد. اولین کارخانه کاغذسازی در سمرقند ایجاد شد و از آنجا به سایر شهرهای اسلامی انتقال پیدا کرد. ابن ندیم مینویسد: "کاغذ خراسانی از کتان بدست می آمد و کارگران چینی آنرا در خراسان همانند کاغذ چینی می ساختند". (۸۴) سمرقند نه تنها در کاغذ شهرت داشته بلکه در ساختن جامهای سیمگون و سمرقندیه، دیگهای بزرگ مسی، رکاب و دهانه های ستور معروف بوده است. علاوه بر مصنوعات مذکور سمرقند در ساختن فولاد با سایر نقاط ایران نظیر خراسان و آذربایجان هم ردیف بوده است. با وجود مراکز فولاد سازی یادشده شمشیرهای چالک فارس و یمن از ارزش بالایی برخوردار بوده اند. در مجموع صنعتگرانی که به ساختن محصولات جنگی مهارت داشتند همیشه مورد توجه بوده اند. جاحظ به توصیف گروههایی از صنعتگران که به فن ساختن شمشیر اشتغال داشتند می پردازد. در میان فلزاتی که مورد استفاده عموم بوده است، مس سهم بیشتری را بخود اختصاص میدهد. بازاریار مسگران رونق کارهای مسی را می رساند: لواز م آشپزخانه، صندوق و نیمکت مسی جزء اسباب و جهیزیه دختران آن زمان بشمار می آمد. در موصل تراز و سلاح و کلاه خود از مس می ساختند. در سمرقند دیگهایی به گنجایش هزار لیتر تولید میشده است.

روش و سبک فنی و صنعتی دوره صفوی بر روشهای پیشین خود به ویژه سبک مغولی دارای امتیازاتی است. یکی از امتیازات زنده شدن افسانه های پهلوانی است که در فنون و صنایع تجلی کرده است.



از این مبحث چنین نتیجه گیری میشود که صنایع نساجی، سفال و فلزی ایران در این دوره طولانی از ویژگی هائی برخوردار بوده است که به اختصار بدان می پردازیم:

بقیه در صفحه ۵۹

۸۴- علیرضا حکمت - آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران

## دنباله پیدایش و زوال کارگاه های پیشه‌وری

- ۱- صنعت نساجی در این دوره رهبری صنایع را بعهده داشت .
- ۲- روند رشد این صنعت همه گیر گردید و شهرهای زیادی در تولید نساجی مشهور شدند .
- ۳- دربار خلیفه و حکومت منبعی برای تولید و توسعه و مصرف مصنوعات نساجی بشمار می آمدند .
- ۴- زنان در صنعت نساجی نقش عمده ای ایفا می کردند . البته دقت و ظرافت کارآنان و فقدان بهداشت عمومی آن زمان ، زنان را دچار کوری زودرس می ساخت .
- ۵- زندانیان و اسیران به تولید کارگاه های صنعتی در زندان می پرداختند که گاهی اوقات تولیدات آنان به سایر کشورها نیز صادر میشد .
- ۶- غلامان و بردگان نیروی کار عمده ای را تشکیل می دادند و برای تامین معاش تا سرحد مرگ کار می کردند . این وضع حتی در دوره ای که رهبران مملکت از طبقات پائین جامعه بودند نظیر دوره یعقوب لیث (رویکر) و یا اسماعیل سامانی (ساربان) و یا سبکتگین (غلام) ادامه داشت .
- ۷- در دوره صفویه کارگاه های چندکاره یا مافاکتورها شکل گرفتند . رشد چنین مافاکتورهایی در غرب زمینه را برای پیدایش انقلاب صنعتی فراهم آورد ، در حالی که این وضع در کشور ما بعلل شرایط درونی و استعمارسیستما تیک خارجی صورت نگرفت .
- ۸- گسترش نساجی در دوره صفویه در اصفهان بحدی وسیع بود که حاکم شهر از رهبران صف نساج حساب میبرد .
- ۹- از نقطه نظر تکنیکی زروسیمی که در تاروپودیا رچه ها بکار گرفته میشد مانع کهنگی و فرسودگی آنها می گردید .
- ۱۰- همزمان با توسعه صنعت نساجی ، صنعت رنگرزی در ایران بیش از اروپا گسترش یافته بود رنگهای این کشور از روشنی خاصی برخوردار بود و دوام بیشتری داشت و به سرعت زایل نمی گردید .
- ۱۱- در دوره صفویه صنعت فرش از شکل صنایع عشایری و روستایی